

متن پرسش

با سلام خدمت استاد گرامی: بنده تعدادی از کتب شما را مطالعه کرده ام و در تعدادی از جلسات شما شرکت کرده ام. در خلال صحبت ها و متن کتب شما چیزی که من می بینم این است که نسبت به توسعه ای که منجر به استفاده از منابع زمین بیش از حدی که زمین قابلیت جبران را داشته باشد انتقاد دارید. برای مثال، اگر اشتباه نکنم نسبت به احداث چاه های عمیق، انتقال آب یزد به اصفهان و پروژه هایی از این قبیل انتقاد داشتید. برای من این امر طبیعی است. امروز با فجایع محیط زیستی که در کشور رقم خورده خیلی از مردم می فهمند که استفاده نامتوازن از منابع محیط زیست چه مشکلاتی ایجاد می کند. اما سوالی که همواره موقع خواندن کتب شما یا گوش دادن به سخنرانی های شما مد نظر بوده این است که ما از کجا بفهمیم «حد» استفاده از محیط زیست برای تامین معاش چقدر است؟ مثلاً اگر اشتباه نکنم خواننده بودم که نسبت به احداث قنات ها در یزد دید مثبتی داشتید، اما نسبت به تاسیس تعدادی از سدها معترض بودید. برای من سوال این است که هر دو این کارها دخالت بشر در طبیعت است. چگونه بفهمیم کدام یک از این دخالت ها محیط زیست را دچار اختلال غیرقابل جبران می کند و کدام یک نه؟ با توجه به اینکه از نه سال پیش متونی از شما خوانده ام و سخنرانی هایی از شما گوش داده ام ممکن است در بعضی از نقل به مضمون ها از شما خطا وجود داشته باشد. از این بابت معذرت می خواهم. با تشکر از شما. خدانگهدار.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در کتاب «تمدن‌زایی شیعه» عرایضی در این رابطه شده است. آری! آنجایی که سعی شود استعدادهای طبیعت به ظهور آید، تمدن اسلامی شکل خواهد گرفت. ولی آنجایی که برای برآوردن هوس‌ها، طبیعت سرکوب می‌شود و یا بستر ظهور آن منحرف می‌گردد؛ ما را از ظهور تمدن اسلامی دور می‌کند. موفق باشید